

شگردهای روانی و تبلیغاتی امام علی (ع) در جنگ صفین؛ الگویی برای جنگ‌های

نوین

یحیی حسینیانی^۱، مسلم احمدی^۲

چکیده

امام علی (ع) در زمره نادره شخصیت‌هایی است که زندگانی، سیره، سخن و عمل او در عرصه‌های گوناگون و در تمامی دوران و اعصار می‌تواند برای بشریت الگویی سرآمد و ماندگار باشد. با نگرشی عالمانه و منصفانه به زندگی و خط‌مشی ایشان ملاحظه می‌گردد که امیرالمؤمنین در دوران قریب به ۵ سال فرمانروایی و حاکمیت بر جهان اسلام، حتی در امور دفاعی و نظامی نیز از شگردهای دفاعی و سیاست‌های نظامی به بهترین شکل ممکن استفاده کردند. شرایط ایجاب می‌کرد تا حضرت علی (ع) سپاهی قدرتمند و متدین تشکیل دهد که نه تنها حافظ جان و مال و ناموس مردم باشد، بلکه دین مقدس اسلام را در سایه تربیت جوانانی متدین، برای نسل‌های آتی جاوید و زنده نگه دارد. بدین ترتیب، مقاله حاضر به روش تحلیلی- توصیفی و با هدف الگوبرداری از «جنگ صفین» و به‌منظور به‌کارگیری مؤثر و کارآمد نیروها تهیه و تدوین شده است. امید است که فرماندهان و نظریه‌پردازان نظامی در راستای آمادگی هر چه بیشتر نیروی انسانی و ارتقای توانمندی دفاعی کشور هر چه بهتر بتوانند از آن بهره‌برداری نمایند.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، جنگ صفین، شگردهای روانی و تبلیغاتی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران. ایمیل: hosseinaiyahya@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران

مقدمه

هنگامی که با علی (ع) به عنوان خلیفه مسلمین بیعت شد، از همان آغاز، دشمنان اسلام عزم خود را جزم کردند تا با دولت نوظهور امام (ع) وارد جنگ شوند و پایه‌های اسلام را سست و متزلزل سازند. به این ترتیب، دشمنان امام (ع) چه در داخل و چه در خارج، مردم را علیه او تحریک کردند و آن‌ها را به جنگ با دولت عدالت‌محورش تشویق می‌کردند؛ گروهی که عقیده داشتند خلیفه سوم مظلومانه کشته شده است؛ از این رو به فکر انتقام و خون‌خواهی عثمان بودند. این گروه، علی (ع) را به سکوت و کناره‌گیری هنگام شورش علیه عثمان متهم می‌کردند، و حتی گاهی پا را فراتر گذاشته، آن حضرت را به دست داشتن در شورش و رهبری شورشیان متهم می‌کردند. (شیخ مفید، ۱۳۷۶هـ: ۱۲۲-۱۳۱) دوران خلافت امیرمؤمنان امام علی (ع) (۳۵-۴۰ ق) با وقوع سه جنگ جمل، صفین و نهروان سپری شد. در این میان، «جنگ صفین» مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آنها بود. در سال ۳۶ ق. در جنگ صفین، خلافت نوپای علی (ع) رویاروی معاویه بن ابی‌سفیان، امیرنشین شام قرار گرفت که از سال ۱۸ ه. ق. در آنجا استقرار یافته بود. در حقیقت، معاویه یکی از سرسخت‌ترین دشمنانی بود که به بهانه خون عثمان در جستجوی خلافت بود؛ شخصی که روح عصبیت، جاهلیت، میل به خونخواهی و خونخواری در طبیعت او بود. بدیهی است که در این میان، امام علی (ع) برای سرکوبی هر گونه جنگی از جانب دشمنان، از ابتدا به تشکیل سپاهی متدین و با صلابت روی آورد.

بی‌شک ستون و پایه‌های هر حکومتی بر سپاه آن استوار است، سپاهی که هدف اول و آخر آن، دفاع از سرزمین، ملت و مقدسات آن می‌باشد. به این ترتیب امام علی (ع) از همان آغاز خلافت، به تشکیل سپاهی قدرتمند به پشتوانه بهترین یاران خود همت گماشت؛ یارانی چون مالک اشتر، عمار بن یاسر، ابی‌بن کعب، اویس القرنی و دیگر بزرگان که همگی در خدا ترسی،

پرهیزگاری و دلاوری اسوه و زبان زد بودند؛ تا جایی که وظایف خطیر فرماندهی لشکر را به آن‌ها واگذار نمود.

یکی از مسائل و موضوعاتی که در کارنامه امام علی(ع) کمتر بدان توجه شده است، سیاست و کارنامه نظامی آن حضرت در عصر پیامبر اکرم(ص)، دوران خلافت و فرمانروایی ایشان بر جهان اسلام و چگونگی اقدامات ایشان در شرایط حادث شده نظامی با مخالفان است؛ به عبارت روشن‌تر، سیاست نظامی امام علی(ع) و بحث‌های متعدد مرتبط با آن از مقولات و نکات مهمی است که همچنان در بوته ابهام تاریخی قرار دارد و خلأ پژوهشی آن به خوبی نمایان است؛ برای مثال یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی «چگونگی تهییج نیروها» و «چگونگی ارتقای توان روحی رزمندگان» پیش از جنگ و در میانه جنگ است. موضوعی که هم اکنون نیز نظریه پردازان و مسئولان نظامی آن را در راستای ایجاد انگیزه و پایداری قوی در جنگجویان و آمادگی هر چه بیشتر آنان در مصاف با دشمنان از نکات مهم قلمداد می‌کنند (طیبی، ۱۳۸۹: ۳۴۹).

ابن خلدون از مورخان و متفکران صاحب‌نام دنیای اسلام در بررسی تاریخ جنگ‌ها، شگردهای نظامی حاکمان و فرماندهان تاریخ اسلام، نخستین شاهد مثال و الگوی موفق خود را در تهییج و سازماندهی سپاهیان، امام علی(ع) و دومین فرد را مالک اشتر معرفی می‌نماید. (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۵۲۸) به این ترتیب مقاله حاضر تلاش می‌کند تا مهمترین اندیشه‌ها و خط مشی‌های نظامی امام علی(ع) را با استناد به جنگ صفین مورد بررسی قرار دهد؛ از این رو مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱- مهم‌ترین شگردهای نظامی امام علی(ع) در جهت آمادگی بیشتر نیروها و سپاهیان چه بوده است؟

۲-امام علی (ع) پیش از آغاز جنگ و در اثنای آن؛ چه تاکتیک‌هایی را به فرماندهان لشکر توصیه می‌کرد؟

مبانی نظری تحقیق

جنگ یکی از اساسی‌ترین و قدرتمندترین و مهمترین نوع برخورد و ارتباط بین کشورها و انسان‌هاست. «آدمی از سه هزار و چهارصد سال تاریخ شناخته شده، تنها حدود دویست و پنجاه سال در صلح عمومی به سر برده است» (بیگدلی، ۱۳۷۳: ۹). انسان‌ها بقیه این سال‌ها را در جنگ با یکدیگر گذراندند و تعداد بسیاری از هم‌نوعان خود را نابود کردند. امروزه زیاده‌خواهی انسان‌های سلطه‌طلب و در قالب نظامی استکباری، بیش از هر چیز دیگری سلامت، آرامش، امنیت و پیشرفت افراد و حکومت‌های ضعیف را تهدید می‌کند. در مواردی، دفاع به مرگ هزاران انسان بی‌گناه منجر می‌شود و احقاق حقوق هم برای آنها ایجاد نمی‌شود؛ گویی حق در نهایت مظلومیت با آخرین اعتراض و دفاع از خود خاموش می‌گردد (رستمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۹۶).

ابن‌خلدون، متفکر بزرگ اسلامی، از کسانی است که جنگ را جزو طبیعت آدمی دانسته و می‌گوید: «بدان که جنگ‌ها و انواع مقاتله در میان بشر وجود داشته و آن موضوعی طبیعی است. ریشه جنگ در این موضوع نهفته است که بعضی از بشرها و انسان‌ها می‌خواهند از برخی دیگر انتقام گیرند و وابسته‌های قومی و عصبیت هر یک از آنها، از اقوام و رهبران خود، حمایت کنند؛ وقتی که هر دو طرف خواهان جنگ شوند و عده و عده خود را دور هم فراهم آورند، آتش جنگ شعله‌ور می‌شود، یکی انتقام می‌گیرد و دیگری از خود دفاع می‌کند.» (ثقفی، ۱۳۹۰: ۲۷۱).

از نظر سان تزو، جنگ یک رقابت چند سطحی و چند بعدی است که عملیات نظامی و جنگ واقعی فقط یک بخش مهم از آن است ولی همچنان تنها بخش آن نیست و جنگ را وسیع تر از میدان کارزار می دانست. سان تزو برای حکومت داری و ابعاد مختلفی که جنگ در آن رخ می دهد چشمان تیزبینی دارد. وی معتقد است که در حین درگیری ابعاد سیاسی، دیپلماسی، اقتصادی و روحی حذف نخواهند شد؛ درواقع او در خصوص توجه انحصاری به یک روی سکه در جنگ که همان بعد خاص نظامی است، هشدار می دهد. در نتیجه او به تعهدات، زیرساخت های ملی، رهبری سیاسی، اقتصادی و نظامی می پردازد و به انسجام پیوندها، درعین حال یگانگی رهبری جنگ، اعتماد بین رهبران نظامی و نیروهایشان و نیز روحیه نیروهای نظامی می پردازد. کلیه موارد فوق را می توان از طریق اقدامات فیزیکی، تهدید، اطلاعات گمراه کننده، کمبود اطلاعات و روش هایی از این قبیل تحت تأثیر قرارداد (سان تزو، ۱۳۶۴: ۱۳-۱۱).

پیشینه تحقیق

از آنجا که امام علی(ع) به «امیر بیان» ملقب است و سخنان او بعد از کلام الله و سخنان پیامبر در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد، لذا از جنبه های مختلف علمی، ادبی، اخلاقی، سیاسی و نظامی و ... مقالات و کتب زیادی چه در ایران و چه در کشورهای عربی به رشته تحریر در آمده است. لذا در این بخش از مقاله به برخی از مقالاتی که فرماندهی نظامی را از دیدگاه امام علی(ع) مورد واکاوی قرار دادند اشاره می شود:

۱- «نظارت و کنترل از نگاه مدیریتی امام علی(ع)»: این مقاله توسط حمید محمودیان و دیگران در بهار ۹۴ در فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله، بعد از چارچوب نظری علم مدیریت و نظارت بر آن

را تعریف کرده سپس با ذکر نمونه‌هایی از اعمال نظارتی مستقیم و غیرمستقیم بر گرفته از سیره و سخنان امام علی(ع) در جهت تبیین شیوه نظارتی آن بزرگوار برداشته شده است.

۲- «جوده الاداره فی فکر الامام علی بن ابی طالب»؛ مدیریت مطلوب در اندیشه امام علی(ع): این مقاله توسط صبیح کرم نوشته شده و در مجله اهل البیت شماره ۱۷ آن به چاپ رسیده است. هدف از نگارش این مقاله، نشان دادن نقش امام علی(ع) در تقویت سیاست‌های مدیریتی و اثبات این قضیه که اسلام بهترین الگو برای نشان دادن کیفیت کارکردهای مدیریتی است.

۳- «کیفیه مواجهه الإمام علی(ع) مع المحاربین فی عهد حکومته مع التکید علی نص نهج البلاغه»؛ چگونگی رویاروی امام علی(ع) با محاربین در دوران خلافتش با تکیه بر متن نهج البلاغه: این مقاله توسط نرگس‌السادات مبلغ نوشته شده و در سال ۱۴۳۹ ه.ق در دو فصلنامه علمی-پژوهشی دراسات حدیثیه فی نهج البلاغه به چاپ رسیده است و بسیاری از مقالات دیگر که هر یک از زاویه‌ای خطبه‌ها و نامه‌های امام(ع) را مورد بررسی قرار دادند. اما نویسندگان در این مقاله سعی کردند تا به معرفی آموزه‌های اخلاقی جنگ از دیدگاه امام علی(ع) پرداخته و خط مشی‌ها و دستورات جنگی ایشان را پیش و پس از جنگ مورد واکاوی قرار دهند.

بحث اصلی

عصر کنونی ما و همچنین دوران گذشته، جنگ‌های نابودکننده و ویرانگری را به خود دیده است که در نتیجه آن، هزاران نفر جان خود را از دست دادند و شهرها و دولت‌های زیادی به کل نابود گشتند. این جنگ‌ها غالباً با هدف سلطه‌طلبی و استعمار انجام می‌شد؛ علاوه بر آن سرمایه‌های ملت‌ها به تاراج می‌رفت و بر روی مناطق حساس و استراتژی دست گذاشته می‌شد. صاحبان زور و قدرت، برای رسیدن به اهداف خود، مرتکب زشت‌ترین جنایت‌ها و کثیف‌ترین شیوه‌ها می‌شدند؛ شیوه‌هایی چون نابودی شهروندان، اسیر کردن زنان و کودکان،

شکنجه دادن اسیران و در برخی مواقع قتل و کشتار آن‌ها که نمونه‌های آن در عصر کنونی ما نیز بسیار زیاد است. یکی از شیوه‌ها و شگردهایی که امروزه - چه از جانب نیروهای دشمن و چه از جانب نیروهای خودی - تأثیر زیادی در آمادگی و افزایش توانمندی نیروها دارد، استفاده از شیوه‌های تبلیغاتی و روانی است. این شگردها در گذشته بسیار کارآمد بودند و بدون شک می‌توان از آن در نبردهای کنونی استفاده کرد.

دوران خلافت امیرمؤمنان امام علی(ع) (۳۵-۴۰ ق) با وقوع سه جنگ جمل، صفین و نهروان سپری شد. در این میان، «جنگ صفین» مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آنها بود. در سال ۳۶ ق. در جنگ صفین، خلافت نوپای علی(ع) رویاروی معاویه بن ابی سفیان، امیرنشین شام قرار گرفت که از سال ۱۸ ق. در آنجا استقرار یافته بود. بدیهی است که در این میان، امام علی(ع) برای سرکوبی هر گونه جنگی از جانب دشمنان، از ابتدا به تشکیل سپاهی متدین و با صلابت روی آورد. بی‌شک ستون و پایه‌های هر حکومتی بر سپاه آن استوار است؛ سپاهی که هدف اول و آخر آن، دفاع از سرزمین، ملت و مقدسات آن می‌باشد. در ادامه نمونه‌هایی از این شگردهای تبلیغاتی و شیوه‌های روانی را که مربوط به جنگ صفین است بررسی می‌کنیم:

شگردهای روانی و تبلیغاتی جنگ صفین از نگاه امام علی(ع)

۱- توصیف شجاعت و اقدامات شجاعانه

امام علی (ع) با اقدامات شجاعانه شخصی در صحنه نبرد و توصیف رشادت‌ها و جنگ‌آوری‌های خود در عصر رسول الله(ص)، همواره بر این نکته تأکید داشتند که هیچ‌گاه از جنگ و ضرب شمشیر هراسی به دل راه نداده‌اند. (برازش، ۱۳۶۱: ۱۱)

پیش از آغاز نبرد صفین، لشکریان امام علی(ع) پنداشتند که آن حضرت در شروع نبرد، درنگ و تأمل فراوان دارند. برخی از آنان اظهار نمودند که این همه تأمل به خاطر ترس از مرگ است؟ او پاسخ داد: «سوگند به خدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ یا اینکه

ناگاه مرگ مرا دریابد و اما سخن شما در اینکه جنگ با اهل شام مرا شک و تردید است؛ پس به خدا سوگند هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ یا اینکه ناگاه مرگ مرا دریابد. یک روز جنگ کردن را به تأخیر نینداختم؛ مگر آنکه می‌خواهم گروهی به من ملحق گردیده، هدایت شوند و به چشم کم نور خود روشنی راه مرا ببینند و این تأمل و درنگ در کارزار، بر من محبوب‌تر است از اینکه گمراهان را بکشم.» (سیدرضی، ۱۳۷۳: ۴۶)

در جریان جنگ صفین، آرامش فوق تصور امام علی (ع)، فرزند ایشان، امام حسن (ع) را به تعجب و داشت. از این رو از پدرش دلیل بروز این آرامش را سؤال کردند؛ آن حضرت در پاسخ گفتند: «پسرم، پدرت اجلی دارد که از آن نمی‌گذرد، دیرتر از موقع نمی‌رسد و آهسته رفتن آن را زودتر نمی‌آورد. به خدا سوگند پدرت اهمیت نمی‌دهد که بر مرگ افتد یا مرگ بر او افتد.» (طبری، ۱۳۶۲: ۲۵۳۳)

در شرایط بحرانی و سخت جنگ صفین، بارها مواضع مختلف سپاه را واریسی کردند. در یکی از این مصاف‌ها، روزی معاویه را به جنگ تن به تن فراخواند؛ مردی از سپاهیان معاویه فریاد زد: یا علی! حال که معاویه با تو هم‌اورد نمی‌شود، من آماده‌ام. امام بی‌درنگ اعلام آمادگی کردند. لیکن افرادی از سپاه گفتند: یا علی (ع)، این گستاخ را به ما واگذار کن؛ زیرا هم‌تراز و هم‌شان تو نیست. ایشان پاسخ دادند: تنش را به من واگذارید. آن‌گاه در حمله‌ای برق‌آسا و با صلابت، با دو نیم کردن پیکر آن سپاهی، سپاهیان را در حیرت فرو بردند (منقری، ۱۳۶۶: ۵۳۱ - ۵۳۰).

۲- صدور دستورهای نظامی

از دیدگاه امام علی (ع)، کیفیت طرح فرمان‌ها و نکات رزمی و تأکید بر آنها، یکی از عوامل مهم پایداری و مقاومت رزمندگان در میدان نبرد است. رهنمودهای مؤکد امام علی (ع) در صورت پیروزی سپاهیان بر دشمنان، از نکات در خور توجه است. آن حضرت در مقاطع

متعددی، به سپاهیان این نکات را یادآوری می‌کردند: «نیروهای زخمی را نکشید؛ چهارپایان مردم را تصرف نکنید؛ آب، جیره غذا و مایحتاج خوراکی دشمنان را نخورید؛ به ناحق خون کسی را نریزید؛ از کشتن اشخاص پشیمان پرهیزید؛ پرده حرمت مردم را ندرید؛ بدون اجازه وارد خانه‌ها نشوید و ...» (طبری، ۱۳۶۲: ۲۶۵۷؛ منقری، ۱۳۶۶: ۴۲۲)

امام علی(ع) در جنگ صفین به لشکریان خود می‌گوید: «لَا تُقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدَأَوكُمْ فَاِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّةٍ وَتَرْكُكُمْ اِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْدَأَوكُمْ حُجَّةٌ أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ» (نهج البلاغه: نامه ۱۴)؛ معنی: با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند، زیرا سپاس خداوندی را که حجت با شماست، و آغازگر جنگ نبودن، تا آن که دشمن به جنگ روی آورد، حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود).

حضرت علی(ع) به رعایت اصول انسانی در جنگ تأکید می‌فرمود که از جمله آن، پرهیز از آزار زنان است. جالب آنکه، آن حضرت از پیروان و سربازان خویش می‌خواهد، حتی اگر زنان دشمن به شما دشنام دادند و آبروی شما را ریختند، خویشتن‌داری نمایید و از آسیب جسمی و روحی به آنان خودداری نمایید. امام علی(ع)، بر لزوم حمایت از همه افراد بی‌دفاع در طول جنگ، به‌طور خاص، در مورد حمایت از زنان در طول جنگ می‌فرماید: «وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَذَى وَ إِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَسَبَبْنَ أَمْرَاءَكُمْ» (نهج البلاغه، نامه ۱۴) معنی: زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند.

۳- سرودن اشعار شورانگیز و رجزخوانی

یکی دیگر از شگردهای روانی و تبلیغاتی امام علی(ع) در آمادگی و برانگیختن سپاهیان، سرودن اشعار شورانگیز است. این اشعار علاوه بر جنبه تهبیج و ترغیب سپاهیان و توصیف حقانیت حضرت، ماهیت شوم و پلید دشمنان را نیز افشا می‌کرد. «از جمله شعرای مشهور

می‌توان به عبدالرحمن بن جعیل، ابوالهیشم بن تیهان، زیاد بن لیید انصاری، زحر بن قیس و ... اشاره کرد.» (عسکری، ۱۳۶۰: ۱۹۵)

حضرت علی(ع) پیش از جنگ صفین، طی نامه‌ای به معاویه با استناد به اشعار یکی از شاعران عرب (اوس بن حجر) معاویه را این‌گونه مورد خطاب قرار دادند: «بیچاره، موجود ناتوان و درمانده‌ای که روز جنگ را به قصد بهره‌ای برانگیزد ولی از آن برنچیند. آیا آن جنگ‌افروز تهدیدکننده نمی‌داند که من به‌راستی چنان چالاکم که مایه خرسندی حریف نباشم؟ قرارگاه من برای جویندگان، آشکار و معلوم است؛ هر چند در گردنه‌ای مرتفع یا درژی دشوار باشم.» (منقری، ۱۳۶۶: ۵۲۹) امام علی(ع) در همین جنگ، بعد از تعبیه سپاه روی بلندی قرار گرفتند و اشعار زیر را قرائت کردند: «منم علی، از جنگ آزمودگان بپرسید تا آگاه شوید؛ آن‌گاه به میدان نبردم آید و یا پشت کنید و بگریزید؛ تیغم برنده و سنانم دل‌دوز و جان‌شکار است؛ پیامبر پاکیزه خصال از ماست؛ این شیر خداست {اشاره به خود}؛ با چنین افتخارات درخشان و آن یک {اشاره به معاویه}، پسر هند است؛ آن کنام خزیده متزلزل، رانده‌شده واپس کشیده» (همان: ۶۳۲)

هنگامی که در جنگ صفین، میمنه سپاه از مقاومت جدی بر دشمن غلبه یافت و آنان را به عقب‌نشینی واداشت، حضرت علی(ع) آنان را چنین مورد تمجید قرار داد: «همانا از جای کنده شدن و بازگشت شما را در صف‌ها دیدم؛ فرومایگان گمنام و بیابان‌نشینان از مردم شام، شما را پس می‌رانند؛ درحالی‌که شما گزیدگان عرب و خاندان‌های شرف و پیش‌قدم در بزرگواری و بلند مرتبه هستید. سرانجام سوزش سینه‌ام فرونشست که در واپسین دم، دیدم آنان را راندند چنان‌که شما را راندند و از جایشان کردند چنان‌که از جایتان کردند. با تیرهاشان کشتید و با نیزه‌هاشان از پای در آوردید ...» (سیدرضی، ۱۳۷۳: ۱۰۰)

رجز خوانی، یکی از مهمترین استراتژی‌های جنگی در اندیشه امام در میدان‌های جنگ بود که باعث ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان می‌گشت و انرژی مضاعفی به خود رزمنده می‌داد. رجزخوانی نوعی فخرفروشی به آباء و اجداد و همچنین به قدرت، شجاعت و ویژگی‌های منحصر به فرد شخصی است که در گذشته غالباً در قالب ابیات شعری از سوی مبارزان بر زبان جاری می‌شد. فخر فروشی اگر صادقانه باشد و توهین به مؤمن و آزار و اذیت او را به همراه نداشته باشد، هیچ اشکالی ندارد؛ حتی بهتر است در میدان جنگ در برابر دشمنان گفته شود؛ چرا که آن یکی از نشانه‌های عزت، قدرت و سرسختی در برابر کافران به شمار می‌آید.

۴- انتخاب دقیق فرماندهان

اهمیت و نقش فرماندهان سپاه در جنگ بر کسی پوشیده نیست. درایت و شجاعت و تدبیر فرماندهان سپاه و فرمانبرداری سپاه از آنان در جنگ‌ها یکی از سیاست‌های نظامی و رموز پیروزی است که موجب ارتقای روحیه فردی و مانع از شکست سپاهیان در برابر دشمن است. حضرت علی(ع) ضمن خطبه ۱۴۶ کتاب ارزشمند نهج البلاغه اهمیت فرماندهی سپاه را بیان می‌فرماید: «وَمَكَانُ الْقَيْمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النُّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ: فَإِنْ انْقَطَعَ النُّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِفِرِهِ أَبَدًا.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶) کسی که سرپرستی نظامی را عهده‌دار است، درست همانند رشته‌ای است که مهره‌ها را نظام می‌بخشد و تا رشته بگسلد تمامی مهره‌ها پراکنده شوند و چه بسا دیگر هرگز فراهم نمایند. حضرت علی(ع) در کلام فوق به یک تشبیه زیبا پرداخته‌اند؛ همان‌گونه که رشته یا نخ‌ای که مهره‌ها را نظام می‌بخشد و تحمل سنگینی مهره‌ها را می‌کند باید به قدری ضخیم و محکم باشد که بر اثر سنگینی مهره‌ها، رشته پاره نشده و مهره‌ها پراکنده نگردد.

انتخاب فرمانده تأثیر بسیار مهمی در مدیریت امور جنگ دارد. رزمنده شجاع و بی‌باک می‌تواند تأثیر بسزایی بر سربازان پیرامون خود داشته باشد که این امر به نوبه خود تأثیر فراوانی در پیشبرد جنگ دارد. در این زمینه می‌توانیم به سخن شهید راه حق، عمار بن یاسر و اعتقاد جنگی ایشان در جنگ صفین مثالی بزنیم، جایی که می‌گوید: «والله لو هزمنّا حتی يبلغوا بنا سعفات هجر لعلمنا أنا على الحق وإنهم على الباطل» (ابن أبی الحديد، ج ۱۰: ۲۸۳) به خدا سوگند اگر ما را با شمشیرها بزنند و به دوردست‌ها برانند، باز هم یقین داریم که ما برحق هستیم و آنها بر باطل. چنین عقیده راسخ و ایمان ثابتی روحیه معنوی رزمنده را بالا می‌برد و آنها را برای ادامه جنگ تشویق و تحریک می‌کند. از آنجا که امام علی(ع) خود به عنوان فرمانده با علم و درایت و با ایمان به شمار می‌رفت، همواره سعی می‌کرد افرادی شایسته و صالح را به عنوان فرماندهان و امراء لشکر خود انتخاب کند و انتخاب فرماندهانی چون مالک اشتر و عمار یاسر خود گواه توجه دقیق امام علی(ع) در انتخاب فرماندهان و تربیت و آمادگی آنها دارد تا الگوهایی حسنه در میدان جنگ باشند. حضرت علی(ع) در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته‌اند، ویژگی‌های یک فرمانده خوب را این گونه برشمرده‌اند: «فَوَلِّ مَنْ جُنُودَكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا لِأَمَانِكَ، وَانْقَاهُمْ جَبِيًّا، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا، مِمَّنْ يُبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ، وَيَسْتَرِيحُ إِلَى الْعَذْرِ، وَيَرَأْفُ بِالضُّعْفَاءِ، وَيَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ، وَمِمَّنْ لَا يُشِيرُهُ الْغَنَفُ، وَلَا يَقْعُدُ بِهِ الضُّعْفُ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یعنی: از لشکریان خود کسی را به فرماندهی بگمار که او را در خیرخواهی و فرمان‌پذیری از خدای و فرستاده او و از پیشوای خود پند شنونده‌تر از همه دانی. از کسانی که دیر خشم هستند و پوزش‌پذیر و به درمندگان مهربان و به زورمندان چیره و از آنان که به درستی از جای نروند و سستی از انجام وظیفه بازشان ندارد.

حضرت علی(ع) همچنین در نامه‌ای که به دو تن از فرماندهان سپاه خویش (زیاد بن نصر حارثی و شریح هانی) نوشته‌اند، ضمن اینکه مالک بن حارث اشتر را به امیری و فرماندهی

آن دو و کسانی که زیر فرمان آن دو تن هستند برگزیده‌اند، ویژگی مالک را که سمبلی از یک فرمانده مقتدر و لایق است، این‌گونه برشمرده‌اند: «فانه ممن لایخاف و هنه و لاسقطه و لابطوه عما الاسراع الیه احزم، و لاسراعه الی مالبطء عنه امثل» او از آنان است که نه از ناتوانی او جای بیم است نه از لغزش وی، نه در کاری که شتاب در آن به دور اندیشی نزدیک‌تر باشد درنگ، نه در کاری که در آن اولی‌تر است درنگ کند، شتاب می‌گیرد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از نظر حضرت امیر مومنان، تدبیر و درایت، سعه صدر، داشتن قوای جسمانی، دور اندیشی در عاقبت امور، اطاعت از خداوند و پیامبر گرامی اسلام در احکام دینی، مطیع رهبر جامعه بودن و فرمانده کل سپاه و نیروی مسلح و پندپذیری از وی از ویژگی‌های فرماندهان مقتدر و خوب در عرصه‌های نبرد و میدان‌های جنگ است.

۵- اتمام حجت با دشمنان و پیشگام نبودن در نبرد

از جمله سیاست‌های نظامی مهمی که امام علی(ع) در جنگ‌های مختلف به آن توجه داشتند، اتمام حجت با دشمن و توصیه به بازداشتن آنان از جنگ بود. آن حضرت با این شیوه به نیروهایش یادآوری و تفهیم می‌کردند که دشمنان خواهان جنگ و خونریزی و کشتار هستند؛ از این‌رو چاره و راه دیگری جز هم‌آورد شدن با متجاوزان جنگ‌طلب و فاقد منطق پیش روی نیست (طیبی، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

حضرت علی(ع) پیش از جنگ صفین، به تعدادی از افراد شاخص در سپاهش دستور داد تا با معاویه اتمام حجت کرده و رأی و دیدگاه او را جویا شود. یکی از آنان به نام «بشر بن عمر» به نزد معاویه رفت و از ناپایداری دنیا و ... سخن گفت و افزود: «تو را به خدا سوگند بین امت اختلاف ایجاد نکن و باعث جنگ و خونریزی نشو.» معاویه سخنانش را قطع کرد و گفت: چرا این گفته‌ها را به فرماندهات (امیرالمؤمنین) نمی‌گویی؟ بشر پاسخ داد: خود را برابر

و همانند علی قرار نده؛ او در فضیلت، سابقه در اسلام، قرابت به رسول اکرم(ص)، از همه کس به خلافت شایسته‌تر است و آنگاه پیغام علی(ع) را به معاویه چنین یادآور شد: «از خدای عزوجل بترس، دعوت حق را بپذیر که به صلاح دنیا و آخرت توست.» معاویه گفت: «هرگز خون‌خواهی عثمان را کنار می‌گذارم و آماده نبرد هستم.» (طبری، ۱۳۶۲: ۲۴۳۵) به روایت دیگر، در همین نبرد، امام به یکی دیگر از سپاهیان با نام «مرثدبن حارث» مأموریت داد تا با معاویه چنین اتمام حجت کند: «... مهلتان دادم که به سوی حق باز آیید و از کتاب خدای عز و جل برای شما حجت آوردم و به سوی او دعوتتان کردم، اما از طغیان باز نیامدید و حق را نپذیرفتید؛ اینک منصفانه به شما اعلام جنگ می‌کنم که خدا خیانتکاران را دوست ندارد.» (همان، ۲۴۳۶).

۶- بیان حقانیت خویش

امام علی(ع) با یادآوری پیشگامی و سابقه گرایش به اسلام به‌عنوان نخستین پاسخ‌دهنده به دعوت الهی، اولین نمازگزار مرد با رسول خدا(ص) و دانا به حقایق قرآن کریم، حقانیت خویش را اظهار می‌داشتند. «برخورداری از افتخار پیوند برادری با رسول خدا(ص)، وارث علم رسول خدا(ص)، مأموریت یافته برای مبارزه با ستمگران، پیمان‌شکنان، پیشگام از جان‌گذشته، وفادار و رهرو در سیره و سنت نبوی از نکات مورد یادآوری دیگر است.» (منقری، ۱۳۶۶: ۴۲۹ و ۴۳۰) امام علی(ع) با انجام این اقدام، ضمن آگاهی‌بخشی به سپاهیان، روحیه مقاومت و ایثار در میان آنان را تقویت می‌کرد. در نبرد صفین با اشاره به این ویژگی‌ها افزودند: «آنچه را پیامبر(ص) با من پیمان بست از یاد نبردم. به‌راستی مرا دلیلی آشکار از پروردگار است. من بی‌گمان در راه و روش او رهسپارم و سخن پیامبرم را حرف به حرف باز گفتم.» (همان)

در صحنه دیگری از نبرد صفین چنین بیان فرمودند: «سوگند به آنکه جانم در دست اوست، پیامبر(ص) وقتی دید من در برابر وی بدین شمشیر ضربه‌های کاری می‌زنم گفت: شمشیری جز ذوالفقار و جوانمردی جز علی نباشد و گفت: ای علی، تو نسبت به من چون هارونی نسبت به موسی، جز آنکه پس از من پیامبر نباشد و مرگ و زندگی توای علی با من است.» (همان)

۷- بیان ماهیت دشمن

یکی از اقدامات روانی امام علی(ع) به منظور برانگیختن و آمادگی بیشتر سپاهیان، بیان و روشنگری ماهیت دشمن، تحلیل اهداف نبرد و بیان انگیزه‌های مبارزه‌جویان جنگ طلب بود. امام علی(ع) درباره ماهیت قاسطین و برپاکندگان نبرد صفین، طی سخنرانی‌ها و افشاگری‌های متعدد، آنان را کینه‌جو، دشمنان دین اسلام، دشمنان قرآن و سنت نبوی، بقایای دشمنان اسلام در جنگ بدر و احد و خندق، احیاگران بدعت، قاتلان مهاجرین و انصار، گروندگان به اسلام با اکراه و از بیم جان، منافق، غوطه‌ور در ضلالت و گمراهی، فریبکار و مکار، دارای عصبیت جاهلی، ستم‌پیشه، دوستدار بردکاران و دشمن نیکوکاران، دنیاطلب، علاقه‌مندان به فتنه و فساد و مقلدان ناآگاه معرفی کردند و برشمردند (دینوری، ۱۳۸۰: ۲۶۱؛ منقری، ۱۳۶۶: ۶۷۳ و ۶۷۴).

در کشاکش نبرد صفین، با اشاره به نام برخی از سران و فرماندهان جبهه قاسطین، ماهیت آنان را این‌گونه برای سپاه خود تشریح کردند: «بندگان خدا، جنگ با دشمن خویش را ادامه دهید. معاویه و عمرو بن عاص و {عقبه} ابن ابی معیط، حبیب بن مسلمه، {عبدالله} و ضحاک بن قیس اهل دین و قرآن نیستند. من آنها را بهتر از شما می‌شناسم و از کودکی آنها را دیده‌ام و در بزرگی نیز با آنها بوده‌ام، بدترین کودکان بوده‌اند و بدترین مردان ...» (همان)

۸- توصیف ارزش جهاد و تاسی به آیات قرآن کریم

امام علی(ع) با تکیه بر آیات قرآنی، سنت نبوی و تبیین و تحلیل آنها در راستای ترغیب یاران به پایداری در برابر دشمنان، همواره از جایگاه ارزشمند جهاد در راه خدا سخن به میان می‌آوردند. آن حضرت جهاد را فروش جان و تجارت نیکو با پروردگار، موجبات تقرب و اتصال به منبع فیض، دری از درهای بهشت، لباس و سپر محکم تقوا، عامل وصول به نیکی، عامل آموزش گناهان، عامل باز شدن درهای رحمت الهی قلمداد می‌کردند. (منقری، ۱۳۶۶: ۱۲۲ و ۱۲۳)

در نبرد صفین، بارها با تلاوت قرآن و تبیین آیات جهاد، رزمندگان را برای مقابله با دشمن برانگیختند. از جمله در بخشی از سخنان آنان را چنین خطاب قرار داد: «خدای عزوجل تجارتی را به شما نموده که از عذاب رنج‌آور نجاتتان می‌دهد و شما را به نیکی می‌رساند؛ یعنی ایمان به خدای عز و جل و پیغمبر وی و جهاد در راه خدای تعالی که ثواب آن را بخشش گناهان کرده و مسکن‌های پاکیزه در بهشت عدن ...» (طبری، ۱۳۶۲: ۲۵۳۰ و منقری، ۱۳۶۶: ۱۳۱ و ۱۳۲) حضرت گاهی در شرایط جنگی با استناد به قرآن کریم و ضمن تلاوت برخی از آیات قرآن، به سؤالات پیش آمده و شبهات مربوط به جنگ پاسخ می‌داد. در نبرد صفین یکی از سپاهیان پرسید: چگونه جنگ با شامیان را که در اصول و فروع دین با ما هم‌اعتقاد هستند روا می‌دانید؟ و امام به استناد بخشی از آیه ۲۵۳ سوره بقره، سؤال وی را پاسخ داد (منقری، ۱۳۶۶: ۴۴۱ و ۴۴۲).

۹- تمجید و تشویق سپاهیان

امام علی(ع) طی بیانات هیجانی و شورانگیزی و برگرفته از حقایق دینی، همواره تشویق و تمجید سپاهیان را در مراحل مختلف نبرد در دستور کار نظامی خویش قرار می‌دادند. گاه

خود این اقدام را انجام می‌دادند و گاه آن را به یاران و رزمندگان آگاه، دانا و سخنور همانند مالک اشتر، عبدالله بن عباس، هاشم بن عتبّه، یزید بن قیس و ... واگذار می‌کردند. (برازش، ۱۳۶۱: ۱۳۱؛ سیدرضی، ۱۳۷۳: ۲۴) همچنین در مراحل مختلف رویارویی با دشمن، سپاهیان را با اوصافی چون گرامی‌ترین مسلمانان، یاوران حق، دوست‌داران رسول خدا(ص)، نگه‌دارنده اسرار، جوانمردان و ... مورد تشویق قرار دادند (سیدرضی، ۱۳۷۳: ۱۱۷).

در کشاکش نبرد صفین، سپاهیان را این‌گونه مورد خطاب قرار دادند: از دشمنان خدا، اندک رفق و نفسی بیش باقی نمانده، آنان فاقد انگیزه دینی و الهی و طالبان دنیا هستند. با یورش‌های قاطع و راسخ بر آنان، خود را مشمول رحمت خداوند قرار دهید (دینوری، ۱۳۸۰: ۲۳۱؛ منقری، ۱۳۶۶: ۶۶۵).

هنگامی که در نبرد صفین، میمنه سپاه پس از مقاومت جدی بر دشمن غلبه یافت و آنان را وادار به عقب‌نشینی کرد، حضرت آنان را این‌چنین مورد تمجید قرار دادند: «همانا از جای کنده شدن و بازگشت شما را در صف‌ها دیدم، فرومایگان گمنام و بیابان‌نشینان از مردم شام، شما را پس می‌رانند، درحالی‌که شما، برگزیدگان عرب و خاندان‌های شریف و بلندمرتبه دیدار هستید. سرانجام سوزش سینه‌ام فرو نشست که در واپسین دم، دیدم آنان را رانید چنان‌که شما را راندند و از جایشان کندید چنان‌که از جایتان کردند با تیرهایشان کشتید و با نیزه‌هایشان از پای درآوردید ...» (سیدرضی، ۱۳۷۳: ۱۰۰).

۱۰- حضور میدانی در جنگ و همراهی با سپاهیان

امام علی(ع) در تمام جنگ‌ها و غزوه‌های خود همراه و پا به پای هم‌زمان و سربازان خود در میدان جنگ حضور داشت در همه چیز با آن‌ها شریک می‌شد، و از سپاهیان دلجویی

می‌کرد و در ریز و درشت کارها، به سربازان توصیه و راهنمایی می‌کرد. در واقع در تمام لحظه‌ها با آن‌ها بود و با آن‌ها همدردی می‌کرد.

ضرار الصدائی امام علی(ع) را بعد از اینکه معاویه بن ابی سفیان با اصرار از او خواست که او را برایش وصف کند ایشان در توصیف امام علی(ع) می‌نویسد: «كان يقول فصلاً، يحكم عدلاً، يتفجر العلم من جوانبه، وتنطق الحكمة من نواحيه. كان فينا كأحدنا، يجيبنا إذا سألناه، وينبئنا إذا استنبأناه، ونحن مع تقريره إيانا وقربه منا، لا نكاد نكلمه لهيئته، ولا نبتدئه لعظمته.» (أحمد، بی تا: ۲۷) همواره سخن نهایی را می‌گفت، به عدالت حکم می‌کرد، علم و حکمت از سر تا پای او لب به سخن می‌گشود، همچون یکی از خود ما، در میان ما حضورداشت، هرگاه از او سؤال می‌کردیم، پاسخمان می‌داد و اگر از او جویای خبری می‌شدیم ما را با خبر می‌کرد؛ اما علی‌رغم نزدیک بودن او به ما، به خاطر هیبتش کمتر با او سخن می‌گفتیم و به خاطر بزرگی و ابهتش، آغازگر سخن با او نبودیم. ثمره و نتیجه چنین حضوری، برافروختن روحیه نشاط مجاهدین و ایجاد شور و هیجان در میان رزمندگان بود، ضمن اینکه چنین حضوری منجر به آگاهی و شناخت کامل از جزئیات جنگ و شرایط حاکم بر آن می‌شد و از این طریق می‌توانست تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌سازی را در زمان‌های حساس اتخاذ کند. ضمن اینکه حضور میدانی امام علی(ع) در میدان جنگ و در کنار رزمندگان، باعث می‌شد تا فرمان و دستور ایشان در مدت زمان اندکی به رزمندگان برسد. در واقع این حضور، یکی از مهمترین استراتژی‌های نظامی در میدان‌های جنگی است؛ راه را برای هر گونه شورش و هرج و مرج در نتیجه تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها می‌بندد و باعث تحقق هر چه بیشتر نظم و انضباط در همه مراحل جنگی می‌شود.

جمع بندی نتایج

مقاله حاضر به بررسی شگردهای تبلیغاتی و روانی امام علی(ع) در جنگ صفین پرداخته و مهمترین خطمشی های نظامی امام (ع) را پیش و در خلال جنگ با توجه به خطبه ها و نامه ها و مستندات تاریخی مورد ارزیابی قرار داده است و در ذیل به مهمترین این نتایج اشاره می شود:

۱- توصیف شجاعت و اقدامات شجاعانه: بیان دلاوری و جنگ آوری سپاهیان و توصیف صفات مثبت و پسندیده نیروها، یکی از عوامل روحی- روانی است که در ایجاد قدرت و توانمندی افراد بسیار تاثیرگذار است. حضرت علی(ع) نیز چه در جنگ صفین و چه در نبردهای دیگر آن طور که در روایت ها و خطبه های نهج البلاغه ثبت شده است، در شرایط خاص از این شیوه استفاده نموده اند. امام علی(ع) با این اقدام ضمن تعریف و تمجید از رزمندگان شجاع و تشویق اقدامات جسورانه ایشان، با جسارت و قاطعیت خود نیز تأثیر مثبت و روحیه بخشی در ذهن و اندیشه رزمندگان و سایر نیروهای تحت امر می گذاشتند.

۲- صدور دستورهای نظامی: بدون شک هر چقدر دستورها و فرامین نظامی درست و منطقی باشد، اجرای آن برای زیردستان بهتر بوده و خواسته های فرمانده به بهترین شکل عملیاتی می شود؛ اما صریح و قاطع بودن دستورات یک انرژی مثبت روانی را در وجود رزمنده تزریق نموده و با مشاهده اطمینان خاطر و اعتماد به نفس فرمانده، توانمندی وی نیز دو چندان می شود.

۳- سرودن شعر و رجز خوانی: شعرخوانی و رجز خوانی، یکی از مهمترین استراتژی های جنگی امام علی(ع) در میدان های نبرد بود. این سیاست و راهبرد هوشمندانه، باعث ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان می گشت و انرژی مضاعفی به خود رزمنده می داد. سرودن اشعاری برگرفته از مفاهیم عمیق دینی و میهنی و وصف رشادت های دلیرمردان و رزمندگان

شاخص در این زمینه بدون شک توان و انگیزه دو چندانانی را در دل و جان سپاهیان ایجاد می‌کرد.

۴- **انتخاب دقیق فرماندهان:** شاید این طور تصور شود که انتخاب مسئولان یک راهبرد نظامی و تصمیم‌گیری مدیریتی است و به توان نگیزشی و روانی نیروهای نظامی ارتباطی ندارد؛ درحالی که انتخاب فرمانده تأثیر زیادی در مدیریت امور جنگ دارد. فرمانده شجاع و بی‌باک می‌تواند نقش بسزایی بر شجاعت و جسارت سربازان پیرامون خود داشته باشد که این امر به نوبه خود تأثیر فراوانی در پیشبرد جنگ دارد؛ به عبارت دیگر فرمانده همچون الگویی تربیتی تمام صفات مثبت خود را به زیردستان منتقل می‌کند؛ لذا توانمندی و آمادگی فرمانده هم در سایر سپاهیان نیز تسری پیدا می‌کند.

۵- **اتمام حجت با دشمنان و پیشگام نبودن برای نبرد:** اسلام، دینی مبتنی بر صلح و دوستی و برادری است. تمامی جنگ‌هایی که از صدر اسلام بر مسلمانان تحمیل شده بر اثر زیاده‌خواهی و خودخواهی نیروهای متجاوز بوده است؛ لذا حضرت علی(ع) نیز با این شیوه ضمن یادآوری این نکته به دشمنان هم به سپاهیان خود دلگرمی می‌داد و هم به نوعی در روح و روان سپاهیان دشمن شک و تردید ایجاد می‌کرد تا حتی برای یک لحظه بیاندیشند و شاید از مسیر باطل به جانب حق بازگردند.

۶- **بیان حقانیت خویش:** امام علی(ع) با انجام این اقدام ضمن آگاهی‌بخشی به سپاهیان، روحیه مقاومت و ایثار در میان آنان را تقویت می‌کرد. سخنان آرامش‌بخش و اطمینان دهنده به سپاهیان که بدانند اقدام این حرکت برای مقابله با تجاوزگران است و حق به جانب آنان است. چه بسا تبلیغات قوی دشمن این حقانیت را برعکس به سمت آنان متمایل کند و اشخاصی با سابقه اما سست ایمان، از مسیر اصلی منحرف شده و به سپاه دشمن بپیوندند.

۷- **بیان ماهیت دشمن:** یکی از اقدامات روانی امام علی(ع) به منظور برانگیختن و آمادگی بیشتر سپاهیان، بیان و روشنگری ماهیت دشمن، تحلیل اهداف نبرد و بیان انگیزه‌های مبارزه‌جویان جنگ طلب بود. در بحث جهاد تبیین یکی از اقدامات اصلی مسلمانان، روشنگری و بیان صریح اهداف و برنامه‌های دشمن متخاصم است. اگر به موضوع «دشمن‌شناسی» اهمیت داده شود، این خودباوری در نسل جوان و مؤمن و متعهد ایجاد می‌گردد که باید به توان و اراده خودمان متکی باشیم و اسیر عوام‌فریبی دشمنان و بیگانگان نشویم.

۸- **توصیف ارزش جهاد و تاسی به آیات قرآن:** امام علی(ع) با تکیه بر آیات قرآنی، سنت نبوی و تبیین و تحلیل آنها در راستای ترغیب یاران به پایداری در برابر دشمنان، همواره از جایگاه ارزشمند جهاد در راه خدا سخن به میان می‌آوردند. متأسفانه با گذشت چندین سال از دوران دفاع مقدس، برخی از ارزش‌های دفاعی و مفاهیم جهاد در راه خدا در بین مردم کم‌رنگ شده است؛ بدون شک ساخت محتواهای فرهنگی جذاب و مفید برای نسل جوان بهترین راه برای نزدیک کردن آنان به مفاهیم ارزشی جهاد و دفاع از میهن است.

۹- **تمجید و تشویق سپاهیان:** روحیه سربازان و رزمندگان عامل جدیدی نیست که مورد توجه فرماندهان قرار گرفته باشد؛ بلکه از روزگاران قدیم، روحیه عنصری اساسی در جنگ شناخته شده و همواره سربازان شجاع و با اراده مورد تحسین قرار گرفته‌اند. یکی از دغدغه‌های فرماندهان در هر سازمان نظامی، افزایش انگیزه کارکنان است؛ عوامل فراوانی بر روحیه افراد تاثیرگذار است؛ یکی از این عوامل که می‌تواند نقش موثری در ارتقای توانمندی و کارایی کارکنان تحت امر داشته باشد، تعریف و تمجید از آنان به مناسبت‌ها و در شرایط گوناگون است. همان‌طور که در رویدادهای جنگ صفین ملاحظه شد، امام علی(ع) از این شیوه نیز برای آمادگی و ارتقای توان رزمی سپاهیان بهره برد.

۱۰- حضور میدانی و همراهی با سپاهیان: امام علی(ع) در تمام جنگ‌ها و غزوه‌های خود همراه و پابه‌پای هم‌زمان خود در میدان جنگ حضور داشتند؛ ایشان ضمن هم‌دردی با خانواده شهیدان، از سایر سپاهیان دلجویی نموده و توصیه‌ها و راهنمایی‌های لازم را به آنان می‌گفتند. در واقع این حضور، یکی از مهمترین استراتژی‌های نظامی در میدان جنگی است؛ راه را برای هر گونه شورش و هرج و مرج در نتیجه تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها می‌بندد و باعث تحقق هر چه بیشتر نظم و انضباط در همه مراحل جنگی می‌شود. در دوران دفاع مقدس نیز شاهد این حضور و همراهی از طرف فرماندهان و مسئولان رده بالا بودیم که در خاطرات و رویدادهای دوران دفاع مقدس ثبت و ضبط شده است. حضور مقام معظم رهبری در سمت رئیس‌جمهور یا حضور امیر سپهبد شهید صیاد شیرازی در سمت فرمانده نیروی زمینی و ... در میدانی جنگی نمونه‌هایی از این همراهی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن‌ابی‌الحدید (۲۰۰۷م). شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابراهیم، بغداد: دار الکتاب العربی.
- ابن‌اثیر، علی‌بن‌محمد (بی‌تا). الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت: دارصادر.
- ابن‌کثیر، أبو‌الفداء (۱۹۹۱م). البدایه والنهایه، الجزء الرابع، بیروت: مکتبه المعارف.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان‌بن‌محمد (۱۳۶۹). مقدمه جلد اول و دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی فرهنگی.
- ابن‌هشام، (۱۹۸۵م). السیره النبویه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- احمد، أنور (بی‌تا). خطباء صنعوا التاریخ، القاهرة: مکتبه الأنجلو المصریه.
- برازش، علیرضا (۱۳۶۱). مجموعه موضوعی نهج البلاغه و غررالحکم، تهران: نشر میقات.

بیگدلی، نسرين (۱۳۹۵). اندیشه سیاسی و اجتماعی و جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر شاعران زن دوران دفاع مقدس، همایش بین‌المللی شرق‌شناسی.

تستری، محمدتقی، (۱۳۷۴هـ.ش). بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، تهران: دارامیرکبیر للنشر.

رستمی‌نسب، عباسعلی (۱۳۸۹). مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن کریم، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره دوم، صص ۹۵-۱۲۵.

دینوری، ابن‌قتیبه (۱۳۸۰). امامت و سیاست، ترجمه سیدناصر طباطبایی، تهران: ققنوس. سیدرضی، محمدبن‌ابی احمد (گردآورنده) (۱۳۷۳). نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

شیخ مفید، محمد بن نعمان، (۱۳۷۶). نبرد جمل(الجمل)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری جلد ششم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.

طیبی، سیدمحمد (۱۳۸۹). مبانی تهییج و پایداری سپاهیان در سیاست امام علی(ع)، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۳.

عسکری، مرتضی (۱۳۶۰). نقش عایشه در تاریخ اسلام جلد دوم، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هریسی، تهران: نشر کوکب.

منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۶۶). پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

